

سرمایه فرهنگی و مدارای اجتماعی (آزمون مدل میمیک)

دکتر علی اصغر فیروزجاییان^۱، دکتر محمود شارع پور^۲ و نازنین فرزدام^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۱/۲۷

تاریخ وصول: ۹۵/۴/۱۶

چکیده:

ما در جامعه‌های زندگی می‌کنیم که اعضای آن دارای اندیشه‌ها و رفتارهای متفاوت هستند و متناسب با هر موقعیت اجتماعی یک واکنش ویژه‌ای را بروز می‌دهند. یکی از اصولی که در بهبود و رشد روابط انسان با دیگران، تأثیر شگرفی دارد، مدارا و تحمل دیگران است. تحقیق حاضر با استفاده از نظریه‌ی منش و میدان بوردیو به دنبال بررسی تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی و به‌طور خاص مدارای رفتاری می‌باشد جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی جوانان ۱۸-۳۵ سال شهر ساری (۱۷۶۹۹۶ نفر) بوده که با استفاده از فرمول کوکران، ۴۰۰ نفر از آنها به‌عنوان حجم نمونه‌ی تحقیق انتخاب شده‌اند؛ همچنین داده‌های مورد نیاز تحقیق از طریق ابزار پرسشنامه به روش میدانی گردآوری شده است. تحلیل داده نیز به وسیله‌ی نرم‌افزارهای SPSS و Amos انجام گردیده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه‌ی فرهنگی و ابعاد آن با مدارای اجتماعی (رفتاری) رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد؛ همچنین نتایج بیانگر آن است که رابطه‌ی بین ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی و مدارای رفتاری معنی‌دار و مثبت می‌باشد. نتایج مدل ساختاری نشان می‌دهد که ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی ۲۸ درصد از تغییرات مدارای اجتماعی را تبیین کرده است.

مفاهیم کلیدی: مدارای اجتماعی، منش و میدان، سرمایه‌ی فرهنگی، مدل میمیک

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران (نویسنده‌ی مسئول) a.firozjayan@umz.ac.ir

^۲ استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران sharepour@yahoo.com

^۳ کارشناس ارشد مطالعات جوانان دانشگاه مازندران farzam.nazanin@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

انسان‌ها همواره به دنبال راهی برای زندگی در آرامش و دوری از خشونت هستند. در واقع موضوع همزیستی بشر در طول تاریخ وجود داشته و با گذشت زمان اهمیت آن برای انسان‌ها آشکارتر شده است. در دوران گذشته پیوندهای درون‌گروهی بسیاری قوی بین افراد یک کیش و قبیله برقرار بود و همه‌ی افراد از بزرگ طایفه یا ریش‌سفید به‌عنوان دانایی که توان حل مشکلات را دارد تبعیت می‌کردند. به‌عبارت دیگر تنوع فرهنگ‌ها، زبان‌ها، اقوام و دیگر عناصر زندگی کمتر بود. این در حالی است که با ورود به دنیای مدرن، افراد منبع رسیدن به آگاهی و اطلاعات نوین را از طریق امکانات در دسترس خود جست‌وجو کردند و هر یک اندیشه‌ی خود را سازنده‌ی زندگی و آینده‌شان یافتند. رشد و گسترش فزاینده‌ی اطلاعات در همه‌ی زمینه‌ها تنوع وسیعی را ایجاد کرد، و در پی آن میزان تعاملات و برخورد افرادی با زبان، مذهب، قومیت و فرهنگ متفاوت را فراهم نمود. با وجود تسهیلاتی که جهان مدرن در اختیار بشر قرار داد، شاهد عدم رعایت حقوق اجتماعی افراد نسبت به هم هستیم. در حالی که انسان‌های اندیشه‌ورز در طول تاریخ به دنبال همزیستی سالم و به دور از جنگ و نزاع بوده‌اند.

یکی از دلایل عدم رعایت حقوق هم، ریشه‌دار بودن افکار جزم‌گرایانه در بین افراد یک جامعه است. داشتن روحیه‌ای مداراجو این امکان را به تک‌تک افراد می‌دهد که با وجود دیدگاه‌های متفاوت بتوانند در کنار یکدیگر سازگاری داشته باشند.

مدارا^۱ یک هدف نیست بلکه وسیله‌ای جهت بهبود حداقل کیفیت روابط اجتماعی، همچنین اجتناب از خشونت و اجبار است. وجود مدارا در هر فرد او را تبدیل به انسانی مثبت می‌کند که توانایی استفاده از فرصت‌های اجتماعی را به منظور ارتقاء خود و نیز پیشبرد فرهنگ صلح، خواهد داشت (یونسکو^۲، ۱۹۹۵). مدارا، آزاد گذاشتن دیگران برای داشتن ویژگی‌های شخصی یا نگهداری عقاید و اعمالی را توصیف می‌کند که دیگران آن را به‌عنوان عملی اشتباه یا تفرانگیز در نظر می‌گیرند (دنيس یتیس^۳، ۲۰۰۷:۳). جوانان

^۱ tolerance/toleration

^۲ UNESCO

^۳ Dennis Yeates

به‌عنوان قشری که آماده‌ی حضور در جایگاه‌های اجتماعی مختلف، به منظور ایجاد تحول مطلوب هستند به یک میزان از روحیه‌ی مداراجو بهره‌مند نیستند و شاید یکی از دلایل بروز انحرافات و هنجارشکنی‌ها و حتی کم‌اهمیت نشان دادن ارزش‌های حاکم در جامعه از سوی جوانان، کمبود و یا فقدان عوامل تأثیرگذار بر مدارا باشد. سرمایه در تمام ابعاد به خصوص سرمایه‌ی فرهنگی^۱ را می‌توان از عوامل مؤثر بر میزان مدارا در یک جامعه در نظر گرفت.

بالندگی و ارتقاء جامعه مرهون جوانانی است که با آموزه‌ی اخلاقی تساهل‌گرا و مداراجو، تلاش می‌کنند گره‌ای از مشکلات بگشایند. داشتن سرمایه در تمامی ابعاد بخصوص سرمایه‌ی فرهنگی را می‌توان راهی برای تقویت مدارای جوانان و ارتباطات سالم، کاهش نزاع و درگیری، برقراری آرامش، صلح و امنیت در جامعه در نظر گرفت. برای مثال در تحقیقات نسی داینین^۲ (۲۰۰۱)، سیگلر و ژوسلین^۳ (۲۰۰۲)، نجف‌آبادی (۱۳۸۷)، عسگری و شارع‌پور (۱۳۸۸: ۹۸-۶۴)، آقابخشی و همکاران (۱۳۸۸)، مقتدایی (۱۳۸۹)، ادیبی‌سده (۱۳۹۱)، شریفی (۱۳۹۲)، به طرق مختلف اشاره شد که تحصیلات، محصولات فرهنگی و به‌طور کلی سرمایه‌ی فرهنگی رابطه‌ی مستقیم، مثبت و معنی‌داری با مدارای اجتماعی دارند. به‌طور کلی این تحقیقات نشان داد افرادی که دارای سرمایه‌ی فرهنگی بیشتری هستند، برای مثال تمایل آنها به استفاده و حمایت از محصولات فرهنگی جامعه‌ی خود بیشتر است، یا گرایش به تحصیلات و مطالعه و کسب دانش دارند انتظار می‌رود روحیه‌ی سازش‌پذیر بیشتری از خود در روابط اجتماعی با دیگران نشان دهند. مدارای اجتماعی و به‌طور خاص مدارای رفتاری به‌عنوان طرز تفکر، عمل و رفتاری که می‌تواند از هر فرد با میزان متفاوتی سر بزند، می‌توان به مثابه منش و عادت‌واره در افراد در نظر گرفت که بخشی از آن به مجموعه انگیزه‌های روانی فرد، و بخش دیگر به جامعه‌پذیری فرد و قرار گرفتن در شرایط و موقعیت‌های معین در او شکل می‌گیرد و درونی می‌شود. بوردیو عادت‌واره را برای تأکید بر نقش فعال کنشگر اجتماعی در ساخت واقعیت اجتماعی بکار

^۱ cultural capital

^۲ Necci Dineen

^۳ Cigler & Jaslyn

برده است در این میان می‌توان عوامل تقویت‌کننده و یا تضعیف‌کننده‌ای را برای روحیه یا رفتار مداراجویی در نظر گرفت که متناسب با شرایط و موقعیت‌های خاص هر فرد ظهور می‌کند. در نظریه‌ی بوردیو میدان فضای بازی کنشگرانی است که با پذیرش قواعد بازی تحت تأثیر نیروی آن عمل می‌کنند (بوردیو، ۱۹:۲۰۰۲). بوردیو کنش اجتماعی را با توجه به موقعیت منش در میدان تبیین می‌کند. میدان‌ها (موقعیت‌ها) و منش (خلق و خواها) در پیوندی تنگاتنگ، عاملان را سازگار می‌سازند (بوردیو، ۱۹۸۹). به عقیده‌ی او اگر عادت‌واره، منش و شناخت ما است، میدان عرصه‌ای است که ما در آن به دنبال حفظ و بهبود موقعیت اجتماعی خود هستیم و سرمایه حکم پولی را دارد که به وسیله‌ی آن شناخت اجتماعی را خریداری می‌کنیم (بوردیو، ۱۹۸۹). به عقیده‌ی بوردیو در هر میدانی، میان بازیگران یا گروه‌های اجتماعی، چهار نوع سرمایه رد و بدل می‌شود که یکی از تأثیرگذارترین آن سرمایه‌ی فرهنگی می‌باشد. تحقیقاتی که در زمینه‌ی مدارا انجام شده است اکثراً به نوع مدارای سیاسی، مدارای دینی، قومی و اجتماعی پرداخته‌اند. به سبب اهمیت این موضوع در بین جوانان به‌عنوان قشری پویا که همواره در ارتباط با همسالان، و یا در جست‌وجوی خلق موقعیت‌های اجتماعی جدید هستند این تحقیق در بین جوانان شهر ساری انجام شد. شهر ساری که دومین شهر پرجمعیت شمال کشور محسوب می‌شود همواره پذیرای مهاجران زیادی از شهرها، روستاها و قومیت‌های مختلف بوده است. در نتیجه بررسی مدارای جوانان در این شهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

تعریف مدارا از منظر صاحب‌نظران

واژه‌ی مدارا در زبان‌های اروپایی، از ریشه‌ی لاتین «تولو»^۱ به معنای تحمل کردن، اجازه دادن و ابقا کردن است. این واژه با مصدر «تولو»^۲ به معنای حمل کردن یا بردن و اجازه دادن است (ژاندرون، ۱۷:۱۳۷۸). در فرهنگ هریتیج آمریکا، مدارا به معنای احترام به هویت، عقاید و رفتار دیگران و شناسایی حقوق رسمی افراد و گروه‌ها برای داشتن عقاید

^۱ Tolero

^۲ Tollo

مخالف تعریف شده است؛ همچنین در «بیانیه اصول مدارا» که در طی نشست ۲۸ کنفرانس عمومی یونسکو در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۵ مورد تصویب دولت‌ها قرار گرفت، مدارا چنین تعریف شده است: احترام گذاشتن، پذیرش و ارج نهادن به فرهنگ‌های متنوع پیرامونمان، اشکال مختلف آزادی بیان و شیوه‌های متنوع انسان بودن (آگیوس و آمبروسویکز، ۲۰۰۳: ۱۲). مدارا در نظم و نثر فارسی شایع است که به معنای «رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، ملایمت، آرامی، آهستگی، نرمی نمودن، شفقت، تحمل کردن، تسامح، بردباری، سازگاری نشان دادن» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳). تحمل و مدارا به معنی توجه به دیگران و یادگیری از آنها، ارزشمند شمردن تفاوت‌ها، پل زدن بر شکاف‌های فرهنگی، نپذیرفتن اندیشه‌های قالبی غیر منصفانه، کشف زمینه‌های مشترک و ایجاد متحدان جدید است (لاینس، ۲۰۰۶: ۲). ارج نهادن به تنوع و توانایی زندگی، اجازه دادن به دیگران برای زندگی است، توانایی اعمال نگرشی عینی و منصفانه بر عقاید، اعمال، مذهب، ملیت و همه‌ی موارد متفاوت از دیدگاه فرد است (پترسون، ۲۰۰۳).

وگت^۱، مدارا را خویشنداری در برابر چیزی که دوست نداریم یا چیزی که نسبت به آن احساس تهدید می‌کنیم، می‌داند. او معتقد است که ما معمولاً برای حفظ یک گروه اجتماعی یا سیاسی، ترویج هماهنگی در گروه این راه را انتخاب می‌کنیم (ولهارد^۲، ۲۰۰۸: ۱۴۵). هازاما^۳ (۲۰۱۰)، مدارا را به‌عنوان تمایل به کنار گذاشتن و یا چشم‌پوشی از ایده‌ها و گروه‌های مخالف تعریف می‌کند. مدارا چیزی فراتر از پاسخ‌های منفی سرکوب‌کننده و تمرینات خویشنداری است. به نظر می‌رسد تحمل توأم با احساس مطلوبیت و رضایت است چرا که به افراد اجازه می‌دهد به روش‌هایی که دیگران با آن مخالفند، بیان‌دهند و عمل کنند (دیچکر و کومن، ۲۰۰۷).

در بررسی ریشه‌ی لغت مدارا^۴ در فرهنگ اروپایی و در لغت‌نامه‌ی دهخدا به تشابه معنایی می‌رسیم. در هر دو مدارا به معنای بردباری، به نرمی رفتار کردن و سازگاری

^۱ Vogt

^۲ Vollhardt

^۳ Hazama

^۴ tolerance/toleration

داشتن آمده است. باید توجه داشت که مدارا در علوم گوناگون نظیر (مدارا در ادبیات، فلسفه و سیاست و ...) تعبیری مستقلی دارد. هر یک از صاحب‌نظران برای مدارا ویژگی‌هایی در نظر گرفتند و به تعریف این مفهوم پرداختند. به‌طور کلی می‌توان گفت که مدارا عملی است که به فرد اجازه می‌دهد با وجود عدم توافق و عدم علاقه نسبت به دیدگاهی، بدون ایجاد تنش و مخدوش کردن فضای گفت‌وگو رفتار کند. در این حالت افراد آزادند که یک سری ویژگی‌ها، خصایص و سبکی برای افکار و رفتار خود داشته باشند حتی اگر این ویژگی‌ها مغایر با عقاید دیگران باشد.

ابعاد مدارا

مفهوم مدارا توسط اندیشمندان مختلفی چون (وگت، ورنر گلداشمیت^۱، چیکرینگ^۲ و ریسر^۳، لرد اسکارمن^۴ و حاتم قادری) به ابعاد مختلفی تقسیم شده است یکی از این تقسیم‌بندی‌ها مربوط به پرستون کینگ می‌باشد که در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم. پرستون کینگ^۵ (۱۹۷۶)، در اثر مشهور خود به نام «مدارا»، مدارای اجتماعی را شامل سه نوع مدارای هویتی، سیاسی و رفتاری می‌داند. این تقسیم‌بندی به این ترتیب است:

الف) مدارای هویتی: یعنی اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند که خود شامل مدارا نسبت به هویت‌های متفاوت از جمله ادیان مختلف، ملیت‌های گوناگون و قومیت‌های متمایز می‌شود.

ب) مدارای سیاسی: به معنی توجه به گروه‌هایی که عقاید مخالف دارند و در نظر گرفتن حق اعتراض.

¹ Goldschmidt

² Chickering

³ Reisser

⁴ Scarman

⁵ Preston King

ج) *مداراي رفتاري*: به معنای عدم سخت‌گیری نسبت به برخی از الگوهای رفتاری است که از نظر فرد نادرست هستند و شامل سه نوع است: مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به پوشش و مدارا نسبت به مجرمان.

پیشینه پژوهش

مدارا در غرب تا انقلاب فرانسه، فقط به مخاطبان متدین مربوط می‌شد. جان لاک نخستین کسی است که در این زمینه کتابی نگاشت و تلرانس را در ساحت دین برای ایجاد همزیستی و زندگی مسالمت‌آمیز بین پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها به کار برد. بعد از انقلاب فرانسه است که وارد حوزه‌های سیاسی و اجتماعی شده و در اصول انقلاب فرانسه، (آزادی، برابری و برادری) تجلی می‌یابد و تسامح خود را به‌عنوان همتای برادری، برای کنترل خشونت‌های قومی و فرقه‌ای و سیاسی مطرح می‌کند. مطالعاتی در زمینه‌ی مدارای سیاسی در سال‌های ۱۹۵۵ و ۱۹۶۰ انجام شد؛ همچنین در سال‌های بعد مدارا در زمینه‌ها و ابعاد مختلف بررسی شد.

الف) تحقیقات داخلی

بهمن‌پور (۱۳۷۸)، پایان‌نامه‌ای با عنوان «نشانگان فرهنگی و بردباری اجتماعی» در دانشگاه شهید بهشتی در مقطع کارشناسی ارشد انجام گرفته است. این رساله به بررسی اثر مشخصه‌ها و نشانگان فرهنگی بر میزان تحمل فکری و سیاسی و اجتماعی بر شهروندان تهرانی می‌پردازد. وی با استفاده از یک مدل ترکیبی به سنجش بردباری اجتماعی بر روی شهروندان تهرانی با حجم نمونه‌ی ۳۰۰ نفر نمونه پرداخته و به این نتایج دست یافته است: بردباری یک مفهوم چند بعدی است که ابعاد بردباری سیاسی و بردباری اجتماعی و بردباری مذهبی آن قابل تفکیک است. رابطه‌ی همبستگی بین بردباری اجتماعی با اقتدارگرایی و جزم‌اندیشی رابطه‌ی منفی و گرایش به بردباری با تحصیلات و تحرک فیزیکی خارجی رابطه‌ی همبستگی مثبت است (بهمن‌پور، ۱۳۷۸).

غرائی و همکاران (۱۳۸۴)، در پژوهشی به بررسی «راهبردهای مدارای نوجوانان تهرانی در وضعیت‌های مختلف هویتی» بر اساس نظریه‌ی مارسیا پرداختند. ۴۶۷ نوجوان تهرانی (۲۳۵ دختر، ۲۳۲ پسر) از چهار منطقه‌ی آموزش و پرورش تهران در مقاطع سوم نظری و پیش‌دانشگاهی به‌طور خوشه‌ای انتخاب گردیده و پرسشنامه‌ی فرآیند هویت ایگو و مقیاس مدارای نوجوانان توسط کلیه‌ی شرکت‌کنندگان تکمیل گردید. یافته‌های این پژوهش نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین بعضی از سازوکارهای مدارا مورد استفاده‌ی نوجوانان در وضعیت‌های مختلف هویتی وجود دارد. بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان سازوکارهای مدارای مورد استفاده‌ی نوجوانان در هر یک از وضعیت‌های هویتی را تعیین کرد و می‌توان با برنامه‌ریزی آموزش مهارت‌های مدارا با تأکید بر مهارت‌های اختصاصی مورد استفاده در هر یک از وضعیت‌های هویتی به نوجوانان جهت رسیدن به وضعیت اکتساب و در نهایت حل بحران هویت کمک کرد (غرائی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۳۹-۱۲۵).

علیزاده (۱۳۸۷)، پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «مطالعه‌ی مدارای اجتماعی و رابطه‌ی آن با سرمایه‌ی فرهنگی در بین افراد ۵۰-۱۵ سال شهر همدان» در مقطع کارشناسی ارشد به انجام رسانید. مدارای اجتماعی با ابعاد مدارای دینی، مدارای جنسیتی، مدارای سیاسی - اجتماعی و مدارای طبقاتی سنجیده شده است. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایش و تکنیک جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه می‌باشد. نتایج این تحقیق از یک نمونه‌ی ۲۴۵ نفری، به صورت نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای افراد ۵۰-۱۵ ساله‌ی شهر همدان به‌دست آمده است. نتایج میانگین ابعاد مدارا نشان می‌دهد، میزان مدارای جنسیتی، مدارای دینی، مدارای سیاسی - اجتماعی و طبقاتی افراد نیز تقریباً کمی از حد متوسط بالاتر است. نتایج تحلیل دو متغیره نشان داد که میزان مدارای مردان بیشتر از زنان است. فرضیات این تحقیق مبنی بر تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر مدارای اجتماعی و ابعاد آن مورد تأیید قرار گرفت (علیزاده، ۱۳۸۷).

نادعلی نجف‌آبادی (۱۳۸۷)، در پایان‌نامه‌ی «بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و بردباری اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: شهر نجف‌آباد)» به سنجش این روابط و دو متغیر تحرک فیزیکی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی به‌عنوان عوامل تقویت‌کننده بر سرمایه‌ی

فرهنگی و بردباری اجتماعی پرداخت. روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه می‌باشد. جامعه‌ی آماری این تحقیق ساکنان ۵۰-۳۰ ساله‌ی شهر نجف‌آباد است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شد. بیشترین میزان سرمایه‌ی فرهنگی پاسخگویان در حد متوسط با ۳۲/۵ می‌باشد. بیشترین میزان بردباری اجتماعی در حد کم با ۳۸/۹ درصد است. ضریب همبستگی پیرسون بین سرمایه‌ی فرهنگی و بردباری اجتماعی ۰/۲۳ می‌باشد و این دو رابطه‌ی معنادار و مثبت دارند (نادعلی نجف‌آبادی، ۱۳۸۷).

مقتدایی (۱۳۸۹)، پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن، جامعه‌ی شهری اهواز» در مقطع ارشد به اتمام رسانید. داده‌های پژوهش بر اساس نمونه‌ی ۳۸۸ نفری از شهروندان اهواز، با روش پیمایشی و با نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده، جمع‌آوری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون آنومی، جزم‌اندیشی رابطه‌ی معکوس و معنی‌داری با مدارای اجتماعی در شهر اهواز دارد؛ همچنین ارزش‌های ابراز وجود، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، فردگرایی و تحصیلات رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با مدارا دارد. همچنین متغیرهایی جمعیت‌شناختی همچون جنسیت، وضعیت تأهل، قومیت، محل تولد به‌طور مستقیم بر میزان مدارای شهروندان تأثیر می‌گذارد (مقتدایی، ۱۳۸۹).

جهانگیری و افراسیابی (۱۳۹۰)، به انجام تحقیقی تحت عنوان: «مطالعه‌ی خانواده‌های شهر شیراز در زمینه‌ی عوامل و پیامدهای مدارا» پرداختند. در این پژوهش ابتدا تحقیقات و نظریه‌های مختلف پیرامون مدارا و عوامل آن مرور شده و سپس ۷ فرضیه در زمینه‌ی عوامل و ۳ فرضیه با محوریت پیامدهای مدارا مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله‌ی میدانی، تعداد ۷۰۱ خانواده به روش تصادفی به‌عنوان نمونه‌ی تحقیق انتخاب، و پرسش‌نامه‌ی تحقیق را تکمیل نمودند. نتایج آنها نشان می‌دهد که عواملی مانند: تحصیلات والدین، درآمد خانواده، روابط اجتماعی و فعالیت‌های مدنی خانواده (عضویت در انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی) و میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در میزان مداراجو بودن اعضای خانواده تأثیرگذار است (جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۳۵).

ادیبی سده و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان «مدارای اجتماعی و ابعاد آن» به ارائه‌ی تحلیلی بر وضعیت مدارا در جامعه‌ی مطالعه شده و شناسایی ابعاد و میزان آن بین ساکنان اصفهان انجام شد. این پژوهش مطالعه‌ای مقطعی با روش پیمایش است. جامعه‌ی آماری شامل همه‌ی افراد بالای ۱۸ سال ساکن شهر اصفهان می‌باشد. نمونه‌ی تحقیق بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر برآورد شده است. یافته‌ها حاکی از رابطه‌ی معنی‌دار بین متغیرهای مستقلی همچون سن، وضعیت تأهل، درآمد، جامعه‌پذیری قومی، قوم‌مداری و سرمایه‌ی فرهنگی با متغیر وابسته‌ی مدارای اجتماعی است. ارتباط معنی‌دار و منفی بین دو متغیر قوم‌مداری یا جامعه‌پذیری قومی با مدارای اجتماعی نشان می‌دهد، که هر چه فرد تعلق بیشتری به ابعاد قومیتی خود داشته باشد یا جامعه‌پذیری شدیدتری را تجربه کرده باشد، مدارای اجتماعی او در زمینه‌های مختلف کمتر است (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷۵-۳۵۳).

ب) تحقیقات خارجی

هالپرن (۲۰۰۳)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیرات تحصیلات عالی بر مدارا» به بررسی ارتباط بین افزایش سال تحصیلات عالی و مدارا نسبت به گروه‌ها و قشرهای مختلف از جمله: زنان، مهاجران، افراد مسلمان و همجنس‌گرایان می‌پردازد. برای نظرسنجی از پرسشنامه استفاده شد. پاسخ‌دهنده‌ی دانشجویان دانشگاه ایلتی هندرسون بودند که از چهار کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. نتایج نشان داد که معنای مدارا از دانشجویان سال اول به دانشجویان سال دوم و سوم افزایش یافته اما مدارا برای دانشجویان سال آخر کاهش یافته است. ارتباط کلی بین متغیر مدارا و سال آموزشی ۰/۶۳ بود این همبستگی اگر چه مثبت اما از نظر آماری معنی‌دار نبود. این فرضیه در رابطه با اینکه مدارا با افزایش سال تحصیلی بالا می‌رود در این مطالعه مورد تأیید قرار نگرفت.

موناوار اسماعیل (۲۰۱۲)، در تحقیقی تحت عنوان «عقیده، اساس تحمل اجتماعی: تجربه‌ای در مالزی» به بررسی تأثیر عقیده در سه بخش در بین دانش‌آموزان، معلمان و افسران وزارت آموزش و پرورش می‌پردازد. بخش اول میزان دانش عقیده در بین

دانش‌آموزان؛ بخش دوم، رابطه‌ی بین دانش عقیده و زندگي اجتماعي دانش‌آموزان و در نهايت تأثير عقیده بر رفتار دانش‌آموزان. روش اين پژوهش توصيفي است که با بهره‌گيري از نظرسنجي انجام شده است. تعداد دانش‌آموزان در ۱۲۳۶ مدرسه‌ی متوسطه در مالزی شامل (۲۵۷۱۷۸ نفر) شدند. در نهايت نتايج اين تحقيق نشان داد که دانش عقیده در حدود ۳۳/۵٪ بر معنويت و اخلاقيات دانش‌آموزان شاغل به تحصيل تعليم و تربيت اسلامي در مدارس متوسطه کمک کرده است. بسياري از دانش‌آموزان مصاحبه شده پذيرفته بودند که عقیده‌ی اسلامي می‌تواند موجب بهبود استانداردهای اخلاقي شود. در نهايت نتايج بيانگر تأثير زيادي است که عقیده بر فعاليتهاي اجتماعي دانش‌آموزان دارد.

ثريا سينتانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان « فرهنگ مدارا در خانواده‌های تازه مسلمان شده در مالزی» به دنبال برجسته کردن مدارا در جامعه‌ی کثرت‌گرای مالزی هستند. اين تحقيق به بررسی مدارا در بين نوکیشان «صباح»^۲ به روش کيفي و مصاحبه، پرداخته است. نتايج نشان می‌دهد زندگي در محيطی که چند ديني امري عادي تلقی شده، همچنين توسعه‌ی مذهبي و مداراي فرهنگي در بين خانواده‌های آن منطقه وجود دارد، باعث رشد بهتر درک متقابل احترام و مدارا نسبت به مسلمان جديد می‌شود و در نهايت منجر به پاسخ حمايتي از جانب خانواده‌ای که به تازگي سبک زندگي جديد را به‌عنوان مسلمان پذيرفته، می‌شود.

با توجه به اطلاعات گزارش شده، برخی از تحقيقات خارجي فاقد چارچوب نظري مشخص بوده و تنها به طرح برخی مباحث مفهومي کفايت کردند و يا دغدغهي آنها شناخت وضعيت موجود در يک جامعه‌ی آماری خاص بوده است و يا نهايتاً عوامل مؤثر يا تقويت‌کننده‌ی مدارا پرداخته‌اند. در اين تحقيقات به تحصيلات فرد و تحصيلات والدين، سبک زندگي خانواده و ميزان برخورداری از امکانات زندگي به‌عنوان عوامل فرهنگي مؤثر و ميزان فعاليتهاي مدني، درآمد، فعاليتهاي اجتماعي و عضويت در گروه‌ها به‌عنوان عوامل اجتماعي مؤثر بر مداراي اجتماعي شناخته شدند. در برخی از اين تحقيقات مباحث نظري

^۱ Suraya Sintang

^۲ Sabah

و علمی در الویت قرار نگرفت. به لحاظ روشی، بیشتر تحقیقات انجام شده به خصوص تحقیقات خارجی به صورت نظرسنجی و تحلیل داده‌های ثانویه انجام شده است. تحقیقات داخلی نیز بیشتر از نوع پیمایشی و مصاحبه بوده است. جامعه‌ی مورد بررسی تحقیقات بیشتر ساکنان شهر و یا دانشجویان بودند. در این تحقیق با استفاده از «نوع‌شناسی پرستون کینگ» به سنجش مدارای اجتماعی و به‌طور خاص به مدارای رفتاری می‌پردازیم؛ همچنین در صدد بررسی تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر میزان مدارای رفتاری جوانان هستیم.

چارچوب نظری پژوهش

در این تحقیق برای تحلیل مدارای اجتماعی از نظریه‌ی تلفیقی پیر بوردیو استفاده شده است. رویکرد بوردیو، رویکردی تلفیقی است که در تلاش است از تقابل‌های سنتی بگذرد و واقعیت را به گونه‌ای دیگر ببیند. در این راستا او به مفاهیم نو بنیادی نیاز دارد که بازتاب این نیاز در طرح مفاهیمی همچون منش^۱ و میدان^۲ پدیدار می‌شود. این دو مفهوم لازم و ملزوم یکدیگر هستند. چنانچه تعریف یکی مستلزم تعریف دیگری است و با هم یک دستگاه نظری را تشکیل می‌دهند. این دو استقلال وجودی ندارند بلکه ناظر بر یک واقعیت هستند. به عبارت دیگر بازتاب دو بعد از یک واقعیت اجتماعی به حساب می‌آیند. در واقع نظریه‌ی عمل بوردیو در پرتو دیالکتیک دو مفهوم منش و میدان بنا شده است، چرا که عمل تابع ویژگی‌های کنشگر در تعامل با نیروی یک میدان خاص می‌باشد (پارکر، ۲۰۰۰:۴۴). نظر بوردیو در رابطه با منش مرهون تجربیات انسان‌شناختی وی در الجزایر است. با وجود این تجربه بود که بوردیو از فهم ساختاری و هنجاری کنش به فهم بیشتر عملی آن دست یافت. این فهم مستلزم مفهوم طبع می‌باشد (پینتو، ۱۹۹۶:۱۰۳).

طبع^۳ یا خلق و خو با جامعه‌پذیری در یک گروه در ارتباط است و به معنای نحوه‌ی تولید طبایع از طریق ساختارهای اجتماعی و سپس بازتولید این ساختارها در قالب

^۱ nature

^۲ field

^۳ disposition

کنش‌های ساختمند می‌باشد. منش را می‌توان نظامی از طبایع تعریف کرد. مجموعه‌ای از خلق و خواها در شخصیت افراد که در جهت‌دهی به نحوه‌ی مواجهه‌ی آنها با موقعیت‌های مختلف نقش مهمی دارند (بوردیو، ۱۹۹۶: ۸۵). نکته‌ی مهم در منش خصلت اکتسابی بودن آن می‌باشد. منش را نمی‌توان صرف انگیزه‌های روانی اشخاص تعریف کرد بلکه باید توجه داشت که می‌تواند محصول جامعه‌پذیری بلندمدت در شرایط اجتماعی خاص و موقعیت معین باشد (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۲۱). مفهوم میدان قائم به اصولی است که بر آن حاکمیت دارند و قلمرو آن را مشخص می‌کنند. همه‌ی کنشگران در این قلمرو به تبع باید این قواعد را رعایت کنند. مکانیسم این تبعیت در جامعه‌پذیری کنشگران و درونی‌شدن قواعد در منش‌های آن‌ها نهفته است.

بوردیو به مدد مفهوم منش و ارتباط با مفهوم میدان سعی دارد اصول رفتار انسانی را آشکار سازد. نکته‌ی مهم دیگر موقعیت کنشگران می‌باشد. در واقع موقعیت حلقه‌ی واسطه میان منش و میدان می‌باشد و با توسل به آن این مفاهیم شکل می‌گیرند. موقعیت کنشگران وابسته به سرمایه‌ی^۱ آن‌هاست. بنا بر مقدار و نوع سرمایه‌ای که دارند جایگاه‌شان در فضای میدان مشخص می‌گردد. این‌گونه است که میدان نیز تکثر می‌یابد و میدان‌های اجتماعی مختلف از جمله میدان طبقات اجتماعی، میدان قدرت، میدان روشنفکری و میدان تولید فرهنگی شکل می‌گیرند (بوردیو، ۱۳۸۰). از نظر بوردیو در جوامع مدرن انواع سرمایه با هم در ارتباط هستند، همچنین سرمایه تبدیل‌پذیر است. چنانچه سرمایه‌ی فرهنگی نوعاً به سرمایه‌ی اقتصادی بر می‌گردد. به هر روی، انواع سرمایه همانند سرمایه‌ی اقتصادی به تفاوت‌گذاری اجتماعی منجر می‌شود. موقعیت کنشگران در فضای اجتماعی قابلیت جابه‌جایی دارد، چرا که طبیعی بودن سرمایه به ثبات موقعیت می‌انجامد. اما تغییر موقعیت دال بر اکتسابی بودن سرمایه است (وب، ۲۰۰۲). بوردیو از مشهورترین نظریه‌پردازان سرمایه‌ی فرهنگی است. به‌طور کلی معتقد است دارندگان سرمایه‌ی فرهنگی زیاد، خود را با مصرف فرهنگ و هنر متعالی، از بقیه متمایز می‌کنند. داشتن سرمایه‌ی فرهنگی بیشتر به معنای داشتن توان شناختی بالا و گرایش به هنر متعالی، ناشی از

^۱ Capital

شایستگی بیشتر دارندگان این سرمایه است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۳۸). ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی از نظر بوردیو به شرح زیر می‌باشد:

- سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته^۱ (ذهنی): این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد، ارتباط نزدیک دارد. در واقع نوعی ثروت بیرونی است که به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری در فرد درآمده است. همان سرمایه که بوردیو آن را بعد سرمایه‌ی فرهنگی همراه با تولد می‌نامد. این نوع از سرمایه توانایی بالقوه‌ای دارد که به تدریج بخشی از فرد شده و در او تثبیت شده است.

- سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته^۲: این بعد از سرمایه‌ی فرهنگی که بیشتر در کالاهای و اشیاء مادی تجسم می‌یابد. از بدیهی‌ترین و آشکارترین نوع ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. به‌طور خلاصه، به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی، سرمایه‌ی فرهنگی عینی می‌گویند. خصلت اساسی این سرمایه تأثیر آموزشی است که بر دارندگان آن دارد.

- سرمایه‌ی فرهنگی نهادینه‌شده^۳: لازمه‌ی این نوع سرمایه، وجود افراد با صلاحیت و مستعد، در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی است؛ از طرف دیگر، وجود نهادهای رسمی است که این مدارک تحصیلی را صادر و به آن رسمیت بخشند. این نوع سرمایه این توانایی را دارد که سرمایه‌ی فرهنگی را از طریق کاربرد آن به طریق معقول و رسمی به نوعی به سرمایه‌ی اقتصادی تبدیل کند. این بعد از سرمایه‌ی فرهنگی، به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عنوان‌هایی مانند: مدارک تحصیلی، تصدیق حرفه و کار برای افراد دارنده‌ی آن موقعیت کسب می‌کند (قاسمی و جویمی، ۱۳۹۳: ۱۱).

با توجه به دیدگاه بوردیو می‌توانیم مدارای اجتماعی (رفتاری) را به منزله‌ی شیوه‌ی تفکر و منش هر فرد در نظر گرفت که با قرار گرفتن در عرصه‌ی فرهنگی می‌شود، تفسیر کرد. مداراجو بودن افراد جامعه در وهله‌ی اول به تفسیرهای ذهنی آنها از مدارا برمی‌گردد. افراد در جامعه که عرصه‌ی بزرگی برای ایفای نقش و بروز خود می‌باشد با سرمایه‌ی

^۱ embodied cultural capital

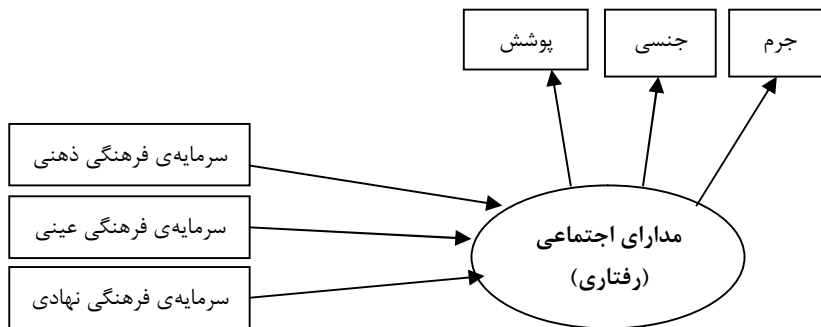
^۲ objective cultural capital

^۳ institutionalized cultural capital

فرهنگی در ارتباط هستند. میزان بهره‌مندی این نوع از سرمایه برای همگان مشابه و یکسان نیست. در نتیجه نمی‌توان انتظار داشت که همه‌ی افراد به یک میزان واجد اندیشه، تفکر و روحیه‌ی مداراجو باشند. بورديو سرمایه‌ی فرهنگی یکی از عوامل تعیین‌کننده‌ی موقعیت طبقاتی عینی افراد جامعه می‌داند.

به گفته‌ی بورديو گرایش‌های متفاوت ناشی از تجربیات گذشته‌ی هر عامل اجتماعی است. در نتیجه می‌توان مداراجو بودن یا نبودن را تحت تأثیر ریشه‌ی فرهنگی و تربیتی افراد در نظر گرفت که مطابق با آن در مواجهه با موقعیت‌های مختلف عمل می‌کنند و یا عکس‌العمل نشان می‌دهند. بخش مهمی از این عکس‌العمل‌ها به موقعیت خاص افراد، جایگاه اجتماعی آنها، میزان دسترسی به امکانات اقتصادی و فرهنگی برمی‌گردد که بیانگر موقعیت طبقاتی است. میزان تحصیلات والدین، تحصیلات جوانان، گرایش به خرید کتاب و مطالعه‌ی آن، گرایش به هنر و موسیقی از جمله سرمایه‌های فرهنگی جوانان جامعه محسوب می‌شوند. در این تحقیق با توجه به دیدگاه بورديو سعی در بررسی ارتباط و تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر مدارای رفتاری در سه بعد مدارا نسبت به مجرمان، مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی و مدارا نسبت به سبک پوشش داریم.

مدل نظری پژوهش



مدل ۱: تأثیر ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی بر مدارای اجتماعی

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- سرمایه‌ی فرهنگی ذهنی بر مدارای اجتماعی (رفتاری) و ابعاد آن تأثیر معنی‌داری دارد.
- ۲- سرمایه‌ی فرهنگی عینی بر مدارای اجتماعی (رفتاری) و ابعاد آن تأثیر معنی‌داری دارد.
- ۳- سرمایه‌ی فرهنگی نهادی بر مدارای اجتماعی (رفتاری) و ابعاد آن تأثیر معنی‌داری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

از لحاظ منطق روش‌شناختی، این پژوهش از نوع تحقیقات پیمایشی^۱ می‌باشد. پیمایش روشی برای بدست آوردن اطلاعاتی درباره‌ی دیدگاه‌ها، باورها، نظرات، رفتارها یا مشخصات گروهی از اعضای یک جامعه‌ی آماری از راه انجام تحقیق است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، کلیه‌ی افراد ۱۸ تا ۳۵ سال ساکن شهر ساری می‌باشد که طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰)، حدود ۱۷۶۹۹۶ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول منطقی کوکران برابر با ۳۸۴ نفر بدست آمد که این مقدار برای کاهش خطا به ۴۰۰ نفر افزایش داده شده است. واحد مشاهده و سطح تحلیل در این تحقیق فرد می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع نمونه‌گیری احتمالی است. از میان انواع نمونه‌گیری احتمالی، در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای در این پژوهش، پس از تعیین حجم نمونه، شهر را به چهار خوشه تقسیم کرده، و در نهایت نمونه‌ی مورد مطالعه بر اساس میزان تقریبی جمعیت خوشه، محلات، کوچه، خانه و فرد انتخاب شدند. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و مفاهیم و متغیرهای آن، داده‌های مورد نیاز تحقیق از طریق تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه‌ی حضوری به روش میدانی جمع‌آوری شده است. بخش اول پرسشنامه شامل سئوالاتی است که به ویژگی‌های پاسخگو مربوط می‌شود که شامل ۸

^۱ survey

سؤال می‌باشد. همچنین، در بخش دوم سؤالاتی تدوین گردیده است که به بررسی متغیرهای مستقل و وابسته می‌پردازد که شامل ۳۳ سؤال می‌شود.

در تحقیق حاضر برای اطمینان از پایایی نتایج، روش آلفای کرونباخ^۱، مورد استفاده قرار می‌گیرد. ضریب آلفا کرونباخ برای سنجش میزان تک‌بعدی بودن نگرش‌ها، قضاوت‌ها، عقاید و سایر مقولاتی اندازه‌گیری آنها آسان نیست بکار می‌رود. اساس ضریب آلفای کرونباخ نیز بر پایه‌ی طیف‌ها یا مقیاس‌هاست (منصوف‌فر، ۱۳۸۵: ۵۱-۴۸). در این تحقیق با استفاده از اطلاعاتی که از ۴۰ نمونه جمع‌آوری گردید پایایی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. به همین منظور برای هر کدام از شاخص‌ها که به صورت طیف طراحی شده بود ضریب آلفا مورد محاسبه قرار گرفت. در نتیجه‌ی این بررسی مشخص شد که آلفا برخی از شاخص‌ها مورد قبول بوده ولی در برخی از شاخص‌ها، همبستگی سؤالی با سؤالات دیگر پایین بوده که این موجب پایین آمدن ضریب کل آلفا می‌شد. از این‌رو آن سؤالات از شاخص حذف شده و در صورت لزوم سؤال دیگری جایگزین آنها شده است. در جدول زیر مقدار آلفای شاخص‌هایی که سؤالات آنها به صورت طیف بوده آمده است.

جدول ۱: ضریب آلفای شاخص‌های تحقیق

شاخص	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
سرمایه‌ی فرهنگی ذهنی	۶	۰/۷۴
سرمایه‌ی فرهنگی عینی	۷	۰/۷۴
سرمایه‌ی فرهنگی نهادی	۵	۰/۷۷
مدارای جنسی	۵	۰/۸۷
مدارا نسبت به پوشش	۴	۰/۶۶
مدارا نسبت به مجرمان	۶	۰/۷۶

برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار *SPSS* و *Amos* استفاده شده است؛ و به‌طوری که برای توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی (شاخص‌های تمایل به مرکز

^۱ Cronbach's Alpha

مانند میانگین و توزیع‌های فراوانی مطلق و تجمعی) و برای تحلیل استنباطی از آزمون همبستگی، استفاده شده است. به منظور آزمون مدل نظری از نرم‌افزار مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری *Amos* استفاده شده است.

تعریف مفاهیم

الف) تعریف متغیر وابسته

در این تحقیق برای بررسی مدارای اجتماعی از تقسیم‌بندی کینگ استفاده شده است. بر اساس تعریف کینگ مدارا رفتاری، به معنای عدم سخت‌گیری نسبت به برخی از الگوهای رفتاری است که از نظر فرد نادرست هستند در این تحقیق برای این نوع از مدارا سه مؤلفه در نظر گرفته شده است که عبارتند از: مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی، مدارا نسبت به مجرمان و مدارا نسبت به سبک‌های پوشش و رفتار.

جدول ۲: انواع تعریف و شاخص‌های متغیر وابسته (مدارای رفتاری)

انواع مدارای رفتاری	تعریف	شاخص‌ها و سؤالات
مدارا نسبت به الگوهای روابط جنسی	به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های جنسی افراد در فضای خصوصی دلالت دارد که از یک طرف بر الگوهای روابط جنسی بین زن و مرد یا دختر و پسر و از طرف دیگر بر الگوهای روابط جنسی بین دو زن یا دو مرد دلالت دارد.	باید از رابطه‌ی دوستی دخترها و پسرها جلوگیری کرد. تجربه‌ی جنسی زن قبل از ازدواج مشکلی ندارد. تجربه‌ی جنسی مرد قبل از ازدواج مشکلی ندارد. تجربه‌ی جنسی همسر قبل از ازدواج هیچ تأثیری در زندگی مشترک ما ندارد. به کسانی که گرایش جنسی متفاوت دارند نباید اجازه‌ی فعالیت اجتماعی داد.
مدارا نسبت به مجرمان	مدارا نسبت به مجرمان ناظر بر به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های افرادی است که مجرم یا منحرف تلقی شوند.	مجرمان انگل جامعه هستند که برای حفظ امنیت دیگران باید با قاطعیت و بدون ملاحظه با آنها برخورد کرد. نباید با مجرمان به شیوه‌ی غیر انسانی برخورد کرد. آدم می‌تواند با کسی که سابقه‌ی جرم داشته ازدواج کند. می‌پذیرم با مجرم در یک محله زندگی کنم. می‌توانم بپذیرم با آنها رفت و آمد خانوادگی داشته باشم. می‌توانم بپذیرم در کار و تجارت با آنها همکاری داشته باشم.
مدارا نسبت به سبک پوشش و رفتار	به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های افرادی دلالت دارد که از نظر پوشش و رفتار به گونه‌ای از نظر فرهنگ جامعه نامتعارف تلقی می‌شوند.	جوانان باید از پوشیدن لباس‌های زننده خودداری کنند. آدم باید هر نوع لباس را که دوست دارد بپوشد حتی اگه دیگران راضی نباشند. از افرادی که به شیوه‌های غیر مرسوم رفتار می‌کنند دوری می‌کنم. در صورت پوشش نامناسب دوستانم به آنها تذکر می‌دهم.

ب) تعریف متغیرهای مستقل

سرمایه فرهنگی

بوردیو اصلاح سرمایه‌ی فرهنگی را برای اشاره به اطلاعات یا دانش درباره‌ی باورها، سنت‌های فرهنگی و معیارهای رفتاری خاصی که موفقیت و کامیابی زندگی را ارتقا

می‌دهند، به کار می‌برد. سرمایه‌ی فرهنگی، یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن را در برگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی‌شدن در فرد انباشته می‌شوند (فکوهی، ۱۳۸۲: ۳۰۰). در این تحقیق سرمایه‌ی فرهنگی را در سه سطح سرمایه‌ی فرهنگی ذهنی، سرمایه‌ی فرهنگی عینی و سرمایه‌ی فرهنگی نهادی می‌سنجیم.

الف) سرمایه فرهنگی ذهنی:

از نظر بوردیو این نوع سرمایه بیشتر از طریق جامعه‌پذیری از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. بوردیو این نوع سرمایه را به‌عنوان «تمایلات پایدار ذهن و جسم» تعریف می‌کند، که همراه با تولد در وجود فرد شکل می‌گیرد و نمی‌توان آن را مانند یک هدیه به راحتی به دیگران انتقال داد، نظیر مهارت‌های زبانی، این نوع سرمایه در اندیشه‌ی بوردیو به سبک‌ها، روش‌ها و سلیق فرهنگی اشاره دارد. مجموعه توانایی‌ها و دانایی‌های ذهنی و مهارت‌های عملی و تجربی و رفتاری است که در شیوه‌ی باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های خاص فرد تجلی پیدا می‌کند. برای سنجش این متغیر از یک شاخص ۶ گویه‌ای با مقیاس لیکرت بهره گرفته شده است.

ب) سرمایه فرهنگی عینی:

از نظر بوردیو این نوع سرمایه نه در ذهن و جسم بلکه در کالاهای فرهنگی یافت می‌شود که گروه‌های اجتماعی آن را مصرف می‌کنند نظیر: کتاب، نقاشی، عکس، فرهنگ لغت، نویسندگی و ... به‌عبارت دیگر مجموعه میراث‌های فرهنگی، آثار ادبی و شاهکارهای هنری و جز این‌ها را سرمایه‌ی عینی فرهنگی می‌نامند. نکته‌ی قابل توجه در مورد این نوع سرمایه این است که تنها کسانی که سرمایه‌ی فرهنگی تجسم‌یافته را در اختیار دارند می‌توانند سرمایه‌ی فرهنگی عینیت‌یافته را نیز به دست بیاورند. به‌عبارت دیگر، سرمایه‌ی فرهنگی نوع اول شرط لازم برای تصاحب سرمایه‌ی فرهنگی نوع دوم است. برای سنجش این متغیر از یک شاخص ۷ گویه‌ای با مقیاس لیکرت بهره گرفته شده است.

ج) سرمایه فرهنگی نهادی:

از نظر بوردیو این نوع از سرمایه‌ی فرهنگی بیشترین رابطه را با فرآیندی که در نظام آموزش و پرورش رخ می‌دهد، دارد. نظیر داشتن مدرک تحصیلی از یک دانشگاه معتبر و گواهینامه‌ی معتبر، این نوع سرمایه می‌تواند موقعیت اجتماعی یا اقتصادی افراد و گروه‌ها را بالا ببرد. برای سنجش این متغیر از یک شاخص ۵ گویه‌ای با مقیاس لیکرت استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

۱- توصیف اجمالی نمونه

اطلاعات این تحقیق از بین ۴۰۰ جوان (۳۵-۱۸) سال شهر ساری که ۲۰۰ زن و ۲۰۰ مرد بودند جمع‌آوری شده است. بر این اساس ۲۱۰ نفر از پاسخگویان مجرد (۵۲/۵) درصد و ۱۹۰ نفر متأهل (۴۷/۵) درصد می‌باشند. کم‌ترین میزان سن پاسخگویان ۱۸ و بیشترین میزان سن ۳۵ سال می‌باشد اشتراک سنی پاسخگویان (نما) در سن ۲۷ از همه بیشتر بوده است. ۵۶/۲ درصد از پاسخگویان درآمد خود را کمتر از یک میلیون تومان اعلام نمودند که بیشترین افراد نمونه بودند. (۳۳/۵) درصد از افراد ۱ تا ۲ میلیون تومان، (۳/۲) درصد بیشتر از ۴ میلیون درآمد دارند که کمترین تعداد پاسخگویان را به خود اختصاص داده است. حداقل میزان درآمد افراد صفر (بدون درآمد) و حداکثر میزان درآمد ۹۰۰۰۰۰۰۰ میلیون می‌باشد. بیشتر پاسخگویان (۶۹/۵) درصد هزینه در طول یک ماه خود را کمتر از یک میلیون، ۱۹/۵ درصد یک تا دو میلیون، و تنها سه درصد هزینه‌ی ماهیانه‌ی خود را بالای چهار میلیون اعلام نمودند. حداقل میزان هزینه‌ی افراد پاسخگو ۱۰۰۰۰۰ هزار تومان و حداکثر هزینه ۹۰۰۰۰۰۰۰ میلیون تومان می‌باشد؛ همچنین ۵۲ درصد از افراد پاسخگو که بیشترین تعداد نیز می‌باشد تحصیلات لیسانس دارند. حداقل سواد افراد پاسخگو ۸ کلاس و حداکثر سواد ۲۲ کلاس بوده است. بیشتر پاسخگویان یعنی ۱۷۵ نفر و معادل ۴۳/۸ درصد، میزان سواد والدین خود را در سطح دیپلم اعلام نمودند. ۷۲/۸ درصد از پاسخگویان میزان سرمایه‌ی فرهنگی ذهنی خود را در حد زیاد اعلام نمودند. ۲۲/۲

درصد از پاسخگویان میزان سرمایه‌ی فرهنگی عینی خود را در حد زیاد اعلام نمودند همچنین و ۵۳/۲ درصد از آنان میزان این بعد از سرمایه را در حد متوسطی اعلام نمودند. ۴۴/۵ درصد از پاسخگویان میزان سرمایه‌ی فرهنگی نهادی خود را در حد کم و ۴۴ درصد از آنان میزان این بعد از سرمایه را در حد متوسطی اعلام نمودند.

در رابطه با میزان متغیر وابسته باید گفت که ۵۴/۸ درصد از پاسخگویان میزان مدارای اجتماعی (رفتاری) خود را در حد متوسط اعلام کردند. ۴۵ درصد از پاسخگویان میزان مدارای جنسی خود را در حد کم، ۷۱/۵ درصد میزان مدارا نسبت به پوشش را در حد متوسط و همچنین ۵۱ درصد میزان مدارا نسبت به مجرمان را در حد متوسطی اعلام نمودند.

جدول ۳: توزیع درصدی ابعاد مدارای اجتماعی

طبقات پاسخ	مدارای جنسی	مدار نسبت به پوشش	مدارا با مجرمان
کم	۴۵/۰	۱۷/۲	۳۸/۲
متوسط	۳۱/۵	۷۱/۵	۵۱/۰
زیاد	۲۳/۵	۱۱/۲	۱۰/۸
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰/۰	۱۰۰

۲- تبیین یافته‌ها

بعد از آماده‌سازی اطلاعات روابط بین متغیرهای وابسته و مستقل از طریق دو نرم‌افزار SPSS و Amos مورد بررسی قرار گرفت. فرضیات تحقیق از طریق آماره‌ی پیرسون مورد آزمون قرار گرفت، که نتایج آن در دو جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و مدارای اجتماعی

متغیر	مدارا و ابعاد آن	میزان همبستگی	سطح معناداری
سن	مدارای کل	-۰/۱۴۳	۰/۰۰۴
	جنسی	-۰/۱۱۵	۰/۰۲۲
	پوشش	-۰/۲۳۲	۰/۰۰۰
	جرم	۰/۰۰۲	۰/۹۶۳
درآمد	مدارای کل	۰/۱۵۸	۰/۰۰۱
	جنسی	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰
	پوشش	-۰/۰۳۷	۰/۴۵۵
	جرم	۰/۱۵۴	۰/۰۰۲
سواد فرد	مدارای کل	۰/۰۷	۰/۱۹۵
	جنسی	۰/۰۲	۰/۷۷۴
	پوشش	-۰/۰۲	۰/۷۹۹
	جرم	۰/۱۳	۰/۰۱۳
سواد والدین	مدارای کل	۰/۳۳	۰/۰۰۰
	جنسی	۰/۳۶	۰/۰۰۰
	پوشش	۰/۲۵	۰/۰۰۰
	جرم	۰/۱۲	۰/۰۲۵
سرمایه‌ی فرهنگی ذهنی	مدارای کل	۰/۱۲	۰/۰۱
	جنسی	۰/۱۲	۰/۰۱
	پوشش	۰/۰۳	۰/۷۸
	جرم	۰/۱۲	۰/۰۱
سرمایه‌ی فرهنگی عینی	مدارای کل	۰/۲۷	۰/۰۰۰
	جنسی	۰/۲۵	۰/۰۰۰
	پوشش	۰/۲۰	۰/۰۰۰
	جرم	۰/۱۴	۰/۰۰۸
سرمایه‌ی فرهنگی نهادی	مدارای کل	۰/۲۰	۰/۰۰۰
	جنسی	۰/۱۳	۰/۰۱۴
	پوشش	۰/۰۳	۰/۶۵۴
	جرم	۰/۲۵	۰/۰۰۰

جدول ۴ همبستگی بین متغیرهای مستقل و ابعاد مدارای اجتماعی (رفتاری) را نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول بین سن و مدارای رفتاری کل رابطه معنی‌داری وجود دارد. هر چند جهت رابطه نشان‌دهنده‌ی این است که با افزایش سن ارتباطات اجتماعی از منظر مدارای رفتاری کاهش می‌یابد. در عین حال رابطه‌ی سن با بعد جرم معنی‌دار نمی‌باشد؛ همچنین رابطه‌ی درآمد با مدار معنی‌دار و جهت مثبت می‌باشد. یعنی با افزایش درآمد جوانان مدارای بیشتری در روابط اجتماعی از خود بروز می‌دهند. هر چند در رابطه با پوشش این رابطه معنی‌دار نمی‌باشد؛ همچنین رابطه‌ی سواد با مدارا تنها در رابطه با جرم معنی‌دار می‌باشد. البته در رابطه با سواد والدین این رابطه معنی‌دار و مثبت می‌باشد. در واقع هر چه سواد والدین بیشتر باشد افراد در روابط اجتماعی خود با دیگران رفتار تساهل‌آمیزتری از خود نشان می‌دهند. رابطه‌ی هر سه بعد سرمایه‌ی فرهنگی (ذهنی، عینی و نهادی) با مدارا رفتاری معنی‌دار و مثبت می‌باشد. در واقع این بیانگر آن است که هر چه سرمایه‌ی فرهنگی در جامعه افزایش یابد، افراد در ارتباط با دیگران رفتار تساهل‌آمیز از خود نشان می‌دهند. البته رابطه‌ی سرمایه‌ی ذهنی و نهادی با پوشش معنی‌دار نمی‌باشد.

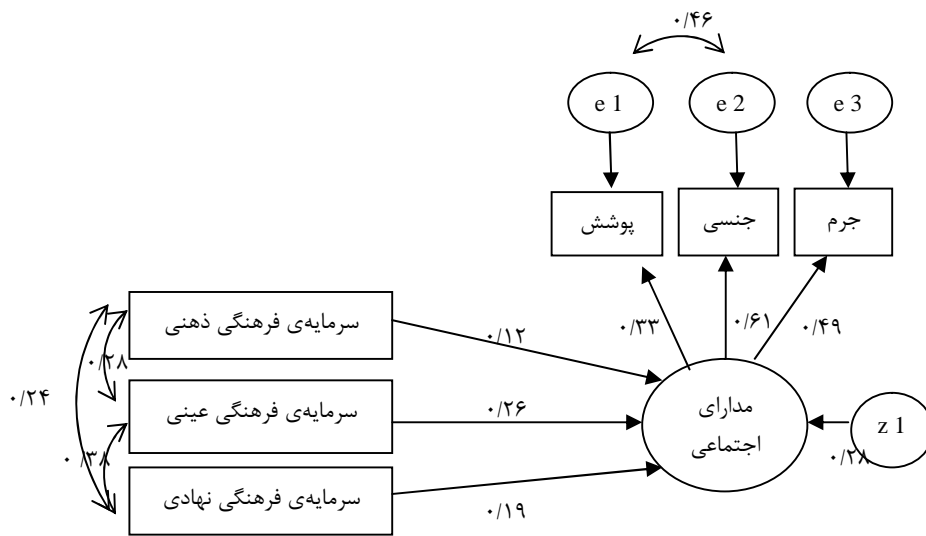
آزمون مدل میمیک

همان‌گونه که آمد در این تحقیق برای آزمون مدل نظری تحقیق از نرم‌افزار *Amos* استفاده شده است. این نرم‌افزار به‌عنوان یکی از نرم‌افزارهای معادله‌ی ساختاری مطرح می‌باشد مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری روشی برای آزمون مدل‌های نظری است. بر این اساس برای کاربرد این تکنیک نیاز است تا محقق مدل نظری پیش‌فرض داشته باشد. مدلیابی معادله‌ی ساختاری یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده‌ی رگرسیون چند متغیری و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگران امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه‌ای همزمان مورد آزمون قرار دهد (هومن، ۱۳۹۰: ۱۱). مدل‌های با معرف چندگانه و علل چندگانه^۱ نوع

^۱ MIMIC: Multiple Indicators and Multiple Causes

خاصی از مدل‌های ساختاری را معرفی می‌کند که در آن متغیر پنهانی که خود به‌وسیله‌ی چند معرف تعریف می‌شود تحت تأثیر مستقیم چند متغیر مستقل قرار دارد (شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸: ۳۵۶). در این تحقیق با توجه به مدل نظری ارائه شده تلاش شده است تا میزان برازش مدل نظری نسبت به داده‌های نمونه‌ای سنجیده شود. در حقیقت محقق از این طریق تلاش دارد تا مدل نظری تأثیر ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی بر مدارای رفتاری را در جامعه‌ی مورد مطالعه مورد سنجش قرار دهد.

مدل نظری پژوهش



Degrees of freedom=۵

Chi-square=۲۰/۱۶

Sig=۰/۰۱

RMSEA=۰/۰۷

مدل تجربی ۲: تأثیر ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی بر مدارای اجتماعی (رفتاری)

مدل فوق بیانگر مدل تجربی تحقیق است. این مدل ساختاری تأثیر مستقیم ابعاد سرمایه‌ی فرهنگی را بر متغیر مدارای اجتماعی نشان می‌دهد. بیشترین تأثیر مربوط به سرمایه‌ی فرهنگی است و بعد از آن سرمایه‌ی نهادی و ذهنی قرار دارد. تأثیر همه‌ی متغیرها مستقیم و مثبت می‌باشد. بدین معنی که هر چه سرمایه‌ی فرهنگی قوی‌تر باشد مدارا اجتماع (رفتاری) نیز بیشتر می‌شود؛ همچنین ابعاد سه‌گانه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی توانسته ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تحلیل کنند. این امر بیانگر این است که سرمایه‌ی فرهنگی به همراه هر یک از ابعاد خود در مجموع ۲۸ درصد از تغییرات مربوط به مدارای اجتماعی (رفتاری) را در میان پاسخگویان تبیین و پیش‌بینی می‌نمایند.

جدول ۵: آماره‌های برازش رابطه‌ی مدل ساختاری مدارای اجتماعی (رفتاری)

<i>NFI</i>	<i>IFI</i>	<i>CFI</i>	<i>TLI</i>	<i>2/df</i>
۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۹۳	۲/۲۷

آماره‌های برازش در معادله‌ی ساختاری نشان می‌دهند که آیا مدل نظری با داده‌های نمونه‌ای تناسب دارد یا خیر. همان‌گونه که در بالا آمده است آماره‌ی کای اسکوئر معنی‌دار نمی‌باشد که این بیانگر برازش مدل تجربی در بالاست. بدین معنا که تمایز آنچنانی بین داده‌های نمونه‌ای و داده‌های تولید شده توسط مدل تحلیلی وجود ندارد؛ همچنین نتایج آماره‌ی ریشه‌ی دوم میانگین مربعات خطای برآورد $RMSEA = ۰/۰۷$ در محدوده‌ی قابل قبول قرار دارد؛ همچنین همه‌ی آماره‌های برازش تطبیقی و مقتصد همان‌گونه که در جدول ۵ آمده است در محدوده‌ی قابل قبول قرار دارند. کلاً این آماره‌ها نشان می‌دهند که مدل نظری ما توسط داده‌های نمونه‌ای مورد حمایت قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

مدارای اجتماعی یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه‌ی رفتار شهروندی است. بر این اساس این تحقیق به بررسی مدارای اجتماعی و تأثیر سرمایه‌ی فرهنگی بر آن پرداخته است. مطالعه بر روی شهروندان جوان شهر ساری انجام شده است. بر اساس نظر بوردیو،

میان منش‌ها و سرمایه‌ی فرهنگی ارتباط نزدیکی وجود دارد. این مهم نه تنها دارای پشتوانه‌ی نظری می‌باشد، بلکه یافته‌های ناشی از مطالعات تجربی (ملر^۱ و همکاران، ۲۰۰۱؛ هالپرن، ۲۰۰۳؛ ثریا سینت‌انگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ مقتدایی، ۱۳۸۹؛ جهانگیری و افراسیابی، ۱۳۹۰)، به‌طور مستقیم و غیر مستقیم نیز مؤید این امر می‌باشد. منش به‌عنوان نظامی از طبایع که بیشتر جنبه‌ی ذهنی دارند مجموعه‌ای از خلق و خواهی فراهم آمده در فرد است که در میادین و شرایط مختلف و متناسب با آن، در رفتار فرد ظاهر می‌شود. میدان‌ها فضای بازی کنشگران هستند. کنشگرانی که با پذیرش قواعد بازی تحت تأثیر نیروی آن عمل می‌کنند. موقعیت کنشگران در میدان وابسته به سرمایه‌ی آن‌هاست. پدیده‌های اجتماعی اموری مطلق و تام نمی‌باشند. منش‌ها نیز به‌عنوان مقوله‌های اجتماعی از این قضیه مستثنی نمی‌باشند و لذا، اموری نسبی‌اند. به‌عبارت دیگر منش‌ها بر حسب میدان‌ها و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلف؛ تغییر می‌پذیرند.

نتایج آزمون‌های دو متغیره و چند متغیر نشان می‌دهد که ابعاد مدارای فرهنگی تأثیر معنی‌دار و مثبتی بر مدارای اجتماعی دارند. در واقع افرادی که سرمایه‌ی فرهنگی بالاتری داشته‌اند مدارای رفتاری بیشتری از خود در رابطه با دیگران نشان داده‌اند؛ لذا نتایج این بخش با برخی از تحقیقات پیشین از جمله (علی‌زاده، ۱۳۸۷؛ نجف‌آبادی، ۱۳۸۷؛ ادیبی‌سده و همکاران، ۱۳۹۱؛ بهشتی و رستگار، ۱۳۹۱) که در آنها سرمایه‌ی فرهنگی بر مدارای افراد اثرگذار بوده است؛ همسو می‌باشد؛ همان‌گونه که از دیدگاه بوردیو بر می‌آید، منش‌ها و عادت‌واره‌ها بر حسب میدان‌های اجتماعی تغییرپذیر است. سرمایه‌ی فرهنگی به‌عنوان یک مفهوم جامعه‌شناختی که اولین بار توسط بوردیو مطرح شده در نظریه‌ی وی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که سرمایه‌ی فرهنگی یک فرد نه تنها قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی را در بر می‌گیرد بلکه بازنمایی جمع نیروهای غیر اقتصادی مثل زمینه‌ی خانوادگی، طبقه‌ی اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌های گوناگون و تعهدات نسبت به آموزش و منابع مختلف است که بر موفقیت فرد تأثیر می‌گذارد.

¹ Meller

بورديو از فضاها، ميدانها و عرصه‌های مختلفي مانند عرصه‌ی زیبایی، حقوقی، سیاسی، فرهنگي و مذهبي نام می‌برد. از نظر بورديو، جایگاه افراد و گروه‌ها در فضای اجتماعی به‌وسیله‌ی میزان سرمایه‌ی فرهنگي و اقتصادی آنها و ترکیب این دو سرمایه و مدت زمان تصاحب آنها مشخص می‌شود. از نظر وی در جوامع جدید، سرمایه‌ی فرهنگي یکی از مهم‌ترین شاخص‌های احترام و قدرت و ثروت طبقات ممتاز است. اقتدار طبقه‌ی جدید بر سرمایه‌ی جدید، یعنی سرمایه‌ی فرهنگي، متکی است. در تحقیق حاضر نیز مدارای رفتاری به‌عنوان نوعی عادت‌واره بر حسب سرمایه‌ی فرهنگي متفاوت می‌باشد و این نوع از سرمایه جزء یکی از مهم‌ترین عوامل و فاکتورهای است که با مدارای رابطه‌ی قوی دارد. به‌عبارت دیگر سرمایه‌ی فرهنگي بر عادت‌واره و منش افراد یعنی میزان مدارای رفتاری آنها تاثیرگذار می‌باشد. ضروری است تا تحقیقات آینده به شناخت زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی مختلف بر منشهایی همچون مدارای رفتاری بپردازند.

فهرست منابع:

- ادیبی سده، مهدی؛ رستگار، یاسر و بهشتی، سید صمد (۱۳۹۱). "تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن در بین اقوام ایرانی"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال ۱۳، شماره‌ی ۵۰.
- بی، ارل (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (نظری - عملی)، ترجمه‌ی رضا فاضل، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بهشتی، سید صمد و رستگار، یاسر (۱۳۹۱). "تبیین جامعه‌شناختی مدارای اجتماعی و ابعاد آن بین اقوام ایرانی"، مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۵.
- بهمن‌پور، ثریا (۱۳۷۸). رابطه‌ی نشانگان فرهنگی بر بردباری اجتماعی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، رشته‌ی پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰). نظریه‌ی کنش، ترجمه‌ی مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار.
- جهانگیری، جهانگیر و افراسیابی، حسین (۱۳۹۰). "مطالعه‌ی خانواده‌های شهر شیراز در زمینه‌ی عوامل و پیامدهای مدارا"، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۲، شماره‌ی ۳.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه‌ی دهخدا (زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی)، مجموعه چهارده جلدی؛ (چاپ اول از دوره‌ی جدید)، تهران: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷). نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- سادا ژاندرون، ژولی (۱۳۷۸). تساهل (در تاریخ اندیشه‌ی غرب)، ترجمه‌ی عباس باقری، تهران: نشر نی.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰).
- شارع‌پور، محمود؛ آزاد ارمکی، تقی و عسگری، علی (۱۳۸۸). "بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با مدارا بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی"، فصلنامه‌ی جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۱.

شریفی، سمیرا (۱۳۹۲). بررسی سنجش میزان مدارای اجتماعی بین شهروندان ۱۸ تا ۷۰ سال ساکن شهر تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س).

شوماخر، رندال و ریچارد، لومکس (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله‌ی ساختاری، ترجمه‌ی وحید قاسمی، تهران: جامعه‌شناسان.

علیزاده، محمد جواد (۱۳۸۷). مطالعه‌ی مدارای اجتماعی و رابطه‌ی آن با سرمایه‌ی فرهنگی بین افراد ۵۰-۱۵ ساله شهر همدان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

غرائی، بنفشه؛ عاطف وحید، محمد کاظم و دژکام، محمود (۱۳۸۴). "راهبردهای مدارای نوجوانان تهرانی در وضعیت‌های مختلف هویتی"، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره‌ی ۱۹.

فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، قم: صبح صادق.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۱). تاریخ و اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.

قاسمی، یارمحمد و نامدار جویمی، احسان (۱۳۹۳). "بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی نمادین فرهنگی (مطالعه‌ی موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام)"، فرهنگ ایلام، دوره‌ی ۱۵، شماره‌ی ۴۴ و ۴۵.

مقتدایی، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن (جامعه‌ی شهری اهواز)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

منصورفر، کریم (۱۳۸۵). روش‌های آماری، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

نادعلی نجف‌آبادی، مریم (۱۳۸۷). بررسی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی فرهنگی و بردباری اجتماعی (مطالعه موردی: شهر نجف‌آباد)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

Agius, E. Ambrosewicz, J. (2003). Towards culture of tolerance and peace, International Bureau for Children's rights.

Bourdieu, P. (1986). *The forms of capital*, J. Richardson (Ed) handbook of theory and research for the sociology of education (New York, Greenwood).

Bourdieu, P. (1989). *Distinction: A social critique of the judgment of taste*. London: Routledge.

Bourdieu, P. (1996). *The Rule of Art: Genesis & Structure of the Literary Field*, Translated by Susan Emanuel, Polity Press.

Cigler, A. J., Mark, R. (2002). "The extensiveness of group membership and social capital: The impact on political tolerance attitudes", *Political Research Quarterly*, Vol, 55,17-25.

Dennis, Y. (2007). *Tolerating on faith: Lacke, Williams and the Origins of Political Toleration*, Dissertation, Department of Political Science, Duke University.

Dijker, A. M., Koomen, W. (1997). *Stigmatization, Tolerance and Repair: An integrative psychological analysis of responses to deviance*, Cambridge, University Press.

Halpern, L. W. (2003). "The effect of higher education tolerance: An investigation of political and cultural attitudes of college students", *Academic Forum*, 21, 90-130.

Hazama, Y. (2010). *Determinants of political tolerance: A literature review*, Institute of developing economies, Jetro.

King, P. (1976). *Toleration*, London, George Allen and Unwin.

Lyness, D. (2006). *Teaching Your Child Tolerance*, Available at: <<http://www.kidshealth.org/essay/Tolerance.html>>.

Munawar Ismail, A. (2012). "Aqidah as a Basis of Social Tolerance: The Malaysian Experience", *International Journal of Islamic Thought* Vol. 1.

NecciDineen, J. M. (2001). *The impact of political participation on political tolerance in America*, Doctoral Dissertations, Department of Sociology, University of Connecticut.

Parker, J. (2000). *Structuration*, Buckingham, Philadelphia, Open University Press.

Peterson, S. (2003). Tolerance. Available at :<[http: www. beyondintrac tabiliti.org/ essay/ Tolerance.html](http://www.beyondintrac tabiliti.org/ essay/ Tolerance.html)>.

Pinto, L. (1996). "The Theory of Field & Sociology of Literature: Reflections on the Work of Pierre Bourdiou", in International Journal of Contemporary Sociology, Vol. 32, No. 2, 1996, 177-186.

Siisianen, M. (2000). The concept of social capital: Bourdiou vs. Putnam, Department of social science and philosophy. Paper presented at ISTR Fourth International Conference.

Sintang, S. Khambali, Kh. (2013). "The culture of tolerance in families of new Muslims convert", Middle East Journal of Scientific Research, Vol 15, 1665-1675.

UNESCO (1995). Declaration of principles on tolerance, General conference of UNESCO at its twenty eight sessions in Paris.

Volhardt, J. Miggacheva, K. Tropp, L. (2008). Social cohesion and tolerance for group difference, Handbook on building culture of peace.